

Analysis of the Relationship between Sports Diplomacy and International Prestige of Countries; A case Study of Qatar Hosting the 2022 FIFA World Cup

Hossein Polvandeh

MA of Political Science, Razi University, Kermanshah, Iran. hpolvandeh@yahoo.com

Farzad Rostami

Corresponding Author, Assistant Professor of Political Science, Razi University, Kermanshah, Iran. f.rostami1361@gmail.com

Abstract

Modern sport has been dramatically internationalized and the strategic, conscious and purposeful use of sport by countries to create interaction, information and positive indexing and increase international credibility to increase activism and pursue foreign policy goals can be attributed to related on sports diplomacy. Sport has a positive role as one of the tools in diplomacy and politics. Sports diplomacy has become a tool for governments to use to improve their positions and credibility. Therefore, it is important to address the issue that in addition to military or political power, there are other and less costly ways in which countries can achieve their goals. Qatar is one of these countries that, despite its special geographical location, is using this type of diplomacy to achieve its regional and international goals. In this regard, the main question of the forthcoming article was how sports diplomacy affects Qatar's international prestige. Using descriptive analytical method, it is hypothesized that Qatar has been able to host the 2022 FIFA World Cup through sports diplomacy, with four components: becoming an important regional player, an important opportunity for public diplomacy and power. Soft, participation in peace and security and attracting public opinion, play a serious role for itself and ultimately increase its international prestige and prestige.

Keywords: *Sports, Politics, Sports Diplomacy, FIFA World Cup, Qatar*

سنجش ارتباط بین دیپلماسی ورزشی و پرستیژ بین‌المللی کشورها؛ مطالعه موردی میزبانی قطر برای جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲

حسین پلونده

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران hpolvandeh@yahoo.com

فرزاد رستمی

نویسنده مسئول، استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران f.rostami1361@gmail.com

چکیده

ورزش مدرن به طرز چشمگیری بین‌المللی شده و استفاده استراتژیک، آگاهانه و هدف‌دار از ورزش توسط کشورها برای ایجاد تعامل، اطلاع‌رسانی و ایجاد نمایه‌ای مثبت و افزایش اعتبار بین‌المللی جهت افزایش کنشگری و پیگیری اهداف سیاست خارجی را می‌توان به دیپلماسی ورزشی ربط داد. ورزش به‌عنوان یکی از ابزارهای موجود در دیپلماسی و سیاست دارای نقشی مثبت است و دیپلماسی ورزشی به ابزاری برای دولت‌ها تبدیل شده تا با استفاده از آن، جایگاه و اعتبار خود را بهبود بخشند؛ بنابراین مهم است که این موضوع پرداخته شود که علاوه بر قدرت‌های نظامی یا سیاسی، راه‌های دیگر و کم‌هزینه‌تری نیز وجود دارد که کشورها بتوانند به اهداف خود برسند. قطر یکی از این کشورهاست که با وجود موقعیت جغرافیایی خاص آن، در حال استفاده از این نوع دیپلماسی برای رسیدن به اهداف منطقه‌ای و بین‌المللی خود است. در همین چارچوب، پرسش اصلی مقاله پیش رو این‌گونه بیان شد که دیپلماسی ورزشی چگونه بر پرستیژ بین‌المللی قطر تأثیرگذار است و با استفاده از روش تحلیلی توصیفی این فرضیه به دست آمد که قطر توانسته از طریق دیپلماسی ورزشی و در ذیل آن گرفتن حق میزبانی جام جهانی فوتبال در سال ۲۰۲۲، با چهار مؤلفه تبدیل شدن به یک بازیگر مهم منطقه‌ای، فرصت مهم دیپلماسی عمومی و قدرت نرم، مشارکت در مورد صلح و امنیت و جذب افکار عمومی، نقشی جدی برای خود پیدا کند و در نهایت پرستیژ و اعتبار بین‌المللی خود را افزایش دهد.

واژه‌های کلیدی: ورزش، سیاست، دیپلماسی ورزشی، جام جهانی فوتبال، قطر

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۱ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۰/۰۸/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۳۰

فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، سال ۵، شماره ۲، پیاپی ۱۵، تابستان ۱۴۰۱، صص ۳۴۵-۳۶۹

مقدمه

مسابقات و رقابت‌های پرطرفدار در سطح جهانی و بین‌المللی از جمله جام جهانی فوتبال، برای کشورها و به‌خصوص کشور میزبان، می‌تواند فرصت مهمی برای دستیابی به اهداف خود از جمله اهداف سیاسی به حساب بیاید. کشورها با کسب حق میزبانی رقابت‌های بزرگ ورزشی، قدرت ذهنی و غیر عینی خود را تقویت می‌نمایند و علاوه بر استفاده از مزیت‌های اقتصادی و تجاری چنین موقعیت‌هایی، خود را بیش از پیش به سیاست بین‌الملل معرفی می‌کنند و سعی دارند پرستیژ و اعتبار خویش را بین ملت‌ها افزایش دهند. بعد از پایان جنگ سرد مطالعات در خصوص دیپلماسی افزایش یافته و در این راستا، بخش ورزشی به بخشی جدید از دیپلماسی کشورها تبدیل شده است و موضوعات جدیدی را وارد روابط بین‌الملل کرده است. ورزش می‌تواند در چارچوب روابط دیپلماتیک گستره بیشتری را در حوزه روابط بین کشورها برای دولت‌ها فراهم آورد، رهبران و افراد بلندپایه بنمایانند، پیوند بین ملت‌ها را کم‌هزینه‌تر و کم‌خطرتر پایه‌ریزی کند و جایگاه و اعتبار کشورها را ارتقا دهد. این‌ها نمونه‌هایی از اهمیت پیوند دیپلماسی و ورزش را نشان می‌دهد. در این میان، از آنجایی که قطر از یکسو در منطقه‌ای با چالش‌های فراوان قرار دارد و از سوی دیگر همواره در سیاست‌های تعریفی خود به دنبال ایجاد تصویری مثبت از کشورش بوده است، باید با به‌کارگیری روش‌های نوین به هدف خود برسد. بر این اساس پژوهش پیش رو درصدد پاسخ به این پرسش است که «مهم‌ترین مؤلفه‌های استفاده از دیپلماسی ورزشی توسط قطر برای افزایش پرستیژ و اعتبار بین‌المللی خود چیست؟»

در این مقاله ابتدا به طرح چارچوب مفهومی دیپلماسی ورزشی پرداخته می‌شود؛ سپس بخش‌های ورزش، سیاست و روابط بین‌الملل (و ارتباط این سه حوزه)، سیاست خارجی قطر (اهداف و جهت‌گیری‌ها)، ورزش در قطر (استراتژی‌ها، افتخارات و میزبانی‌ها)، میزبانی قطر برای جام جهانی ۲۰۲۲ (اهمیت رقابت جام جهانی و نحوه گرفتن حق میزبانی قطر برای سال ۲۰۲۲) و در پایان دیپلماسی ورزشی و افزایش اعتبار بین‌المللی کشورها (نقش دیپلماسی ورزشی در افزایش پرستیژ قطر و مؤلفه‌های آن) تبیین و بررسی خواهد شد.

۱. رهیافت نظری

دیپلماسی ورزشی ابزاری است برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی که جذابیت‌های مختلفی برای دولت‌ها دارد؛ از جمله رشد چشمگیر تصویر بین‌المللی، قدرت و جذابیت گسترده ورزش و این باور که ورزش با نیروی منحصربه‌فرد قدرت نرم، ظرفیت کنار هم قرار دادن جوامع دور از هم را دارد (Philpott, 2016, p. 4). دیپلماسی ورزشی را می‌توان به‌عنوان استفاده از افراد و رویدادهای ورزشی برای تعامل، اطلاع‌رسانی و ایجاد چهره‌های محبوب در بین مردم و سازمان‌های خارجی، برای پیشبرد سیاست خارجی دولت‌ها (Murray, 2017, p. 845) و همچنین استفاده از آن برای مقاصد سیاسی و تأمین منافع ملی (رنج‌کش، اصغری ثانی، محقر، ۱۳۹۲، ص. ۱۶۹) تعریف کرد. برای توصیف دیپلماسی ورزشی دو روش وجود دارد؛ در مورد نخست، دیپلماسی ورزشی ابزاری است که دولت‌ها برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی خود به کار می‌گیرند و دوم که شاید مشهودتر اما کمتر قابل درک باشد، مربوط به نوعی دیپلماسی است که تنها در ارتباط چندوجهی بین بازیگران متنوعی قابل فهم است که ورزش بین‌المللی را امکان‌پذیر می‌سازد. این‌ها می‌توانند شامل دولت‌ها، بازیگران غیردولتی مانند فدراسیون بین‌المللی فوتبال (FIFA) یا کمیته بین‌المللی المپیک (IOC)، شرکت‌های حقوقی، تلویزیون، امنیت و رسانه‌های پوشش‌دهنده، تیم‌ها، انجمن‌های ورزشی ملی و سازمان‌های جامعه مدنی باشند که همه یک شبکه گسترده دیپلماسی را تشکیل می‌دهند و یک شکل منحصربه‌فرد از مذاکره، نمایندگی و ارتباطات را دارند

(Murray, 2013, p. 193). دیپلماسی ورزشی به‌طور فزاینده‌ای مورد توجه دولت‌ها قرار گرفته است، زیرا می‌تواند دیپلماسی سنتی یک کشور را تقویت و تکمیل کند. در واقع، دولت‌ها سرمایه‌گذاری‌های کلانی جهت میزبانی مسابقات ورزشی بین‌المللی برای به دست آوردن مزایا، فرصت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های خاص قبل، حین و پس از تصمیم‌گیری رسمی برای گرفتن حق میزبانی این رویداد، در کشور خود انجام می‌دهند (Ecastro, 2013, p. 198). امروزه از نظر پژوهشگران، ورزش یک فعالیت سرگرم‌کننده پاره‌وقت نیست، بلکه موضوعی علمی با پتانسیل فراتر رفتن از عرصه شایستگی‌های حرفه‌ای آن است. ورزش، دیگر یک موضوع ساده نیست که در حوزه زندگی خصوصی یک فرد بازی می‌شود؛ بلکه یک مسئله اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و دیپلماتیک است (صباغیان، ۱۳۹۴، ص. ۱۴۶). بعد از پایان جنگ سرد ورزش و مسائل مربوط به آن، به بخش جدیدی از دیپلماسی‌های مهم کشورها تبدیل شده و موضوعات جدیدی را وارد روابط بین‌الملل کرده است. کشورها با برگزاری رقابت‌های بزرگ، قدرت ذهنی و غیرعینی خود را تقویت خواهند کرد و کشورهای ثروتمند دنیا با استفاده از چنین موقعیت‌هایی، علاوه بر مزیت‌های اقتصادی و تجاری، خود را به سیاست بین‌الملل بیش از پیش معرفی می‌کنند و سعی دارند جایگاه و اعتبار خود را بین ملت‌ها افزایش دهند. از اینجاست که ورزش و سیاست و به‌طور ویژه با دیپلماسی پیوند می‌یابد.

۲. ادبیات پژوهش

از پژوهش‌های داخلی در حوزه دیپلماسی ورزشی می‌توان به مقالات زیر اشاره کرد:

- «برندسازی در دیپلماسی نیچه‌ای قطر»، از دکتر محمدجواد رنجکش، حسین اصغری ثانی و دکتر احمد محقر: بر اساس دستاوردهای این نوشتار، قطر با تمرکز منابع خود در قالب دیپلماسی نیچه توانسته در حوزه‌های مختلف خود را به برند تبدیل نماید.

- «دیپلماسی ورزشی» از علی صباغیان: در این پژوهش نتیجه‌گیری شده

است که نقش ورزش و فعالیت‌های ورزشی از یک فعالیت بدنی و سرگرمی فراتر رفته و کارکردهای مختلفی از جمله سیاسی و بین‌المللی پیدا کرده است؛ بین‌المللی شدن ورزش‌ها باعث شده کشورها برای پیشبرد منافع ملی و تحقق اهداف سیاسی و بین‌المللی به ورزش توجه کنند.

- «جایگاه دیپلماسی ورزش در روابط بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران؛ رویکرد کیفی مبتنی بر تحلیل محتوا» از مهدی شریعتی فیض‌آبادی و محمود گودرزی: در این مقاله آمده که از طریق دارا بودن استراتژی مناسب در زمینه دیپلماسی ورزش، بسیاری از فرصت‌ها برای توسعه روابط بین‌الملل در اختیار کشورها قرار دارد.

- «مطالعه تطبیقی دیپلماسی ورزش در توسعه روابط خارجی ایران و کشورهای منتخب» از مهدی شریعتی فیض‌آبادی: بر اساس مطالب این مقاله، امروز ورزش و نهادهای جهانی آن مانند کمیته بین‌المللی المپیک به‌عنوان بزرگ‌ترین ارزش مشترک جوامع، فارغ از هرگونه رنگ قومی و نژادی، سبب تحقق دهکده‌ای به‌واقع جهانی با شتابی روزافزون شده است. کشورهای توسعه‌یافته و نوظهور در زمینه اقتصادی با استفاده از راهکارهای گوناگون به دنبال اهداف کلان سیاسی خود در بستر ورزش هستند.

در مقالات و آثار خارجی نیز می‌توان به آثار «استوارت موری» اشاره کرد که حوزه مطالعه ایشان در خصوص دیپلماسی ورزشی، تعریف و توضیح آن است. مقاله «پائول برانگان» و «ریچارد جولیانوتی» (۲۰۱۴) در موضوع قطر، ورزش جهانی و جام جهانی است که در آن قدرت و سلب قدرت نرم در این باره توضیح داده شده است؛ بنابراین مقاله حاضر نخستین مقاله در بررسی کاربست دیپلماسی ورزشی در خصوص افزایش پرستیژ و اعتبار بین‌المللی در خصوص کشور قطر است که میزبان جام جهانی بعدی فوتبال است.

۲-۱. ارتباط ورزش و روابط بین‌الملل

حوادث و وقایع دنیای حاضر نشان می‌دهد که امروزه ورزش به‌طور اجتناب‌ناپذیری با سیاست پیوند خورده است و یکی از ملزومات اساسی زندگی

اجتماعی و از عرصه‌های بسیار مهمی است که حکومت‌ها، افراد و سازمان‌های بین‌المللی با آگاهی کامل از ابعاد سیاسی- اجتماعی آن، همواره تمایل داشته‌اند تا از آن برای دستیابی به اهداف مورد نظر خود بهره‌برداری کنند. تمایل افکار عمومی جهان به کسب اخبار و اطلاعات مربوط به رویدادهای ورزشی از یک‌سو و انعکاس گسترده وقایع ورزشی از طریق رسانه‌های جمعی از سوی دیگر باعث شده است که قلمرو ورزش و سیاست روزبه‌روز به هم نزدیک‌تر شود؛ به‌طوری‌که دوری عرصه ورزش از دنیای سیاست و جدایی آن از بازی‌های سیاسی، دیگر امر ساده‌ای به نظر نمی‌رسد. اکنون آشکارا شاهد تأثیر تنش‌ها و بحران‌های بین‌المللی و ملی بر ورزش هستیم و می‌بینیم که عرصه ورزش به‌تدریج محلی برای رقابت‌ها و رویارویی‌های کشورها و افراد سیاسی و هدف مهم سیاست‌گذاری‌های بین‌المللی و ملی شده و نقش بسیار مهمی را به خود اختصاص داده است. حتی تعدادی از حکومت‌ها از ورزش به‌عنوان ابزار اعمال فشار بر سایر کشورها استفاده می‌کنند؛ به‌ویژه که این روش نسبتاً سهل و فاقد خطرهای معمول و رایج در رویارویی‌های بین‌دولتی است.

همچنین، گسترش و وسعت فوق‌العاده کاربرد وسایل ارتباط جمعی، به‌ویژه وسایل ارتباط شنیداری و دیداری، عرصه ورزش را به صحنه نمایش جهانی بدل کرده است و بر این اساس تعجبی ندارد اگر مشاهده کنیم از سال‌های دهه ۱۹۶۰ میلادی به بعد، برخی جریان‌ها و حرکت‌های سیاسی به برکت حضور گسترده وسایل ارتباط جمعی در عرصه‌های ورزشی، توانستند از اجتماعات ورزشی به نفع خود و در جهت بیان افکار و خواسته‌های خویش بهره‌برداری کنند (دوستی و دیگران، ۱۳۹۱، ص. ۱۴). روابط صمیمی چین و آمریکا که با دیپلماسی پینگ‌پنگ در ۱۹۷۱ تسهیل شد، مانع بازیابی جایگاه حزب کمونیست چین در سازمان ملل و روابط دیپلماتیک با دیگر قدرت‌های غربی را از میان برداشت. این دستیابی به موفقیت سیاسی، راه را برای پیوستن چین به IOC و سایر سازمان‌های ورزشی بین‌المللی هموار کرد (Qingmin, 2013, p. 220)

آفریقای جنوبی برای جلب حمایت از مبارزات انتخاباتی خود در میان اعضای

«کونکاکاف» فیفا (آمریکای شمالی، آمریکای مرکزی و حوزه کارائیب) سعی در جلب احساسات پان آفریقایی داشت (Ndlovu, 2010, p. 148). امروزه جامعه جهانی با ورزش پیوندی جدایی‌ناپذیر دارد. ورزش بین‌الملل با سازوکارها و نهادهای بزرگ خود از جمله کمیته بین‌المللی المپیک (۲۱۱ عضو) و فیفا (۲۰۶ عضو) توانسته است حتی از سازمان ملل متحد (۱۹۳ عضو) نیز پیشی بگیرد و موفقیت یک کشور در این رویداد با اعتباری جهانی همراه باشد (شریعتی فیض‌آبادی، ۱۳۹۸، ص. ۱۲۶).

ورزش همچنین یک تجارت سودآور است. رویدادهای ورزشی می‌توانند از طریق حامیان مالی، قراردادهای دولتی و خصوصی و گردشگری، هم برای دولت و هم برای مشاغل خصوصی درآمد زیادی کسب کنند. این رویدادها همچنین می‌توانند برای جلسات غیررسمی رهبران بهانه بزرگی باشند و دیپلماسی گسترده‌ای را فراهم آورند که در آن بسیاری از رهبران سیاسی با یکدیگر دیدار کنند. از رویدادهای ورزشی می‌توان برای ایجاد میراثی برای کشور میزبان و بهبود چهره این کشور در جهان استفاده کرد (Trunkos & Heere, 2017, pp. 6-13). ورزش بین‌المللی فرصت‌هایی را برای دولت‌ها ایجاد می‌کند تا انواع مختلف برتری را از قدرت ورزشی خود گرفته تا ایدئولوژی یک سیستم خاص دولتی از خود نشان دهند (Murray & Pigman, 2014, p. 1100).

در روابط بین‌الملل زمانی که ورزش عملکردی فراتر از یک بازی را فراهم می‌کند، همیشه مورد استقبال دولت‌ها قرار می‌گیرد. به‌عنوان مثال، کشورها نسبت به المپیک بین‌المللی طمع دارند، زیرا این بازی‌ها فرصت‌های عظیم دیپلماسی عمومی را ایجاد می‌کنند (Murray, 2017, p. 843). «گریکس» چهار دلیل را برای ورود ورزش به دیپلماسی و روابط بین‌الملل بیان می‌دارد: ۱) ورزش می‌تواند صدای یک ملت را رساتر به گوش سایر سیاستمداران برساند و نقش مکمل برای سیاست‌های یک دولت داشته باشد؛ ۲) رویدادهای بزرگ ورزشی برای ملت میزبان، فرصت‌های مهم دیپلماتیک عمومی را مهیا می‌نمایند؛ ۳) دولت‌ها دیگر به ورزش به‌عنوان پدیده‌ای اضافه یا مکان بکر نگاه نمی‌کنند؛ ۴) دیپلماسی رشته‌های

ورزشی به حکومت‌ها اجازه می‌دهد تا در زمانی که روابط دیپلماتیک آن‌ها ضعیف یا قوی است، انعطاف‌پذیری قابل‌توجهی را در آن سوی وضعیت سیاسی از خود نشان دهند (شریعتی فیض‌آبادی، گودرزی، ۱۳۹۴، صص. ۹۷-۹۶).

۲-۲. سیاست خارجی و ورزش در قطر

۲-۲-۱. سیاست خارجی

برای تبیین سیاست خارجی قطر، باید از دیپلماسی کشور کوچک بهره گرفت. در نظام بین‌الملل، همیشه به کشورهای کوچک به‌عنوان کشورهای آسیب‌پذیر نگاه می‌شود؛ ولی بارها اتفاق افتاده که این کشورهای کوچک از یک نقطه خاص خود در سیاست بین‌المللی و منطقه‌ای به‌خوبی استفاده کرده و تأثیر قابل‌توجهی بر مسائل جاری جهان گذاشته‌اند (رنجکش، اصغری ثانی، محقر، ۱۳۹۲، ص. ۱۴۶). کشورهای کوچک دارای برخی از ویژگی‌های خاص هستند: آن‌ها جمعیتی اندک دارند؛ قلمرو سرزمینی‌شان محدود است؛ حاکمیت ملی در این کشورها جز با وابستگی، آن‌هم به‌طور شکننده، برقرار نمی‌شود؛ در اکثر مواقع، در مجاورت کشورهای بسیار بزرگ و به عبارتی در سایه آن‌ها قرار دارند؛ بوروکراسی حکومتی آن‌ها محدود و در بیشتر موارد متمرکز است. دولت‌های کوچک برای مقابله با آسیب‌پذیری‌ها با هر ابزاری به دنبال برجسته‌نمایی خود در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی هستند. از زمان شکل‌گیری نظام بین‌الملل، دولت‌های کوچک همواره کوشیده‌اند در تلاش‌های دیپلماتیک دسته‌جمعی حضور یابند تا بتوانند موجودیت خود را به‌عنوان دولت‌های حاکمیت‌دار حفظ کنند (طالبی آرانی، ۱۳۹۲، ص. ۲).

کوچک بودن و جمعیت کم قطر بسیاری از روندهای سیاست خارجی آن را توضیح می‌دهد. با این حال، آنچه شرایط را دشوارتر می‌کند این است که این کشور توسط کشورهای بزرگ ایران از شمال و عربستان سعودی از جنوب احاطه شده است. موقعیت جغرافیایی شکننده قطر، به اتخاذ دیپلماسی و مذاکره نیاز دارد (Abu Sulaib, 2017, p 35). قطر سیاست خارجی خود را قبل از هر چیز بر اساس نیاز به بقا به‌عنوان یک موجودیت مستقل تعیین می‌کند. این در منطقه بی‌ثبات یک

چالش خاص است (Boyce, 2013, p. 367). همچنین سیاست خارجی فعال قطر معمولاً پیامد اقدامات جسورانه آن برای برندهای دولتی تلقی می‌شود. برندسازی دولتی، نگاه سرمایه‌گذاران و تجارت بین‌المللی را به خود جلب می‌کند. در این باره می‌توان به رویدادهای آموزشی، فرهنگی و ورزشی توجه کرد (Mohammadzadeh, 2017, p. 27). سیاست‌های قطر به سمت ترویج یک تصویر مثبت بین‌المللی از کشوری در حال پیشرفت، مدرن، قابل اعتماد برای تجارت و بی‌طرف است که سیاست‌های آن مطابق با هنجارها و ارزش‌های بین‌المللی است (Pulliam, 2013, p. 1).

در مسائل سیاسی منطقه‌ای نیز بایستی سیاست خارجی قطر را در نظر گرفت. قطر در مورد مسائل منطقه همواره خواهان این بوده است که بین قدرت‌ها (از جمله جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی) توازن قدرت وجود داشته باشد. این کشور وابستگی خود به عربستان را کاهش داده و بعد از بحران سوریه نیز سعی داشته است که رابطه خود را با ایران محدود کند؛ به همین جهت سعی کرده است با برقراری تعادل در سیاست خارجی خویش در رابطه با قدرت‌های منطقه، خود را از لحاظ قدرت در جنبه‌های گوناگون به آن‌ها نزدیک نماید یا حتی در بسیاری از موضوعات از آن‌ها عبور کند. این مهم نیازمند قدرت‌یابی در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله در حوزه دیپلماسی است؛ بنابراین به نظر می‌رسد قطر در تلاش برای رسیدن به اهداف خود، روابط دیپلماتیک و دیپلماسی عمومی خود را با کشورهای جهان افزایش داده است و در این راه از برنامه‌های جهانی و بین‌المللی مهم استقبال خواهد کرد.

۲-۲-۲. ورزش و اهداف ورزشی قطر

برای توضیح و تبیین اهداف ورزش در هر کشوری باید اساسنامه و استراتژی‌های آن را مطالعه کرد. طبق استراتژی بخش ملی ورزش قطر (کمیته المپیک قطر ۲۰۱۱) سه دلیل برای دستیابی به موفقیت ورزشی قطر وجود دارد: (۱) توسعه به‌عنوان یک کشور سالم؛ (۲) بهبود روابط بین ملت‌ها؛ (۳) تبدیل شدن به یک قطب ورزشی جهانی. در ادبیات دانشگاهی، بر عواملی مانند کسب اعتبار جهانی،

دستیابی به وحدت ملی و بهبود زیرساخت‌های کشور نیز تأکید شده است (Reiche, 2015, p. 495). ورزش در قطر به لحاظ طرفداری و حضور در ورزش حول محور فوتبال می‌چرخد. علاوه بر این، دوومیدانی، بسکت‌بال، هندبال، شترسواری، اسب‌سواری، کریکت و شنا نیز طرفدارانی دارد. ورزش قطر در سال‌های اخیر پیشرفت چشمگیری داشته است؛ این موضوع را می‌توان از قهرمانی‌ها و مدال‌آوری‌ها تا کسب میزبانی‌های رخدادهای بزرگ ورزشی و ایجاد کمپ‌های بسیار پیشرفته و مجهز برداشت کرد.

۲-۳. افتخارات ورزشی قطر

افتخارات مهم آسیایی و بین‌المللی قطر در ورزش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. افتخارات مهم آسیایی و بین‌المللی قطر در ورزش

فوتبال	قهرمان جام ملت‌های آسیا - ۲۰۱۹ حضور در المپیک - ۲۰۱۶ و ۲۰۲۰ حضور در مسابقات قهرمانی جهان - ۶ دوره نایب‌قهرمانی مسابقات قهرمانی جهان - ۲۰۱۵ قهرمانی هندبال آسیا - ۲۰۱۴ و ۲۰۱۶ و ۲۰۱۸ و ۲۰۲۰
بسکتبال	حضور در جام جهانی بسکتبال - ۱ دوره سومی جام بسکتبال آسیا - ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵
والیبال	نایب‌قهرمانی والیبال ساحلی جهان - ۲۰۱۹
اتومبیل‌رانی	قهرمانی ناصر العطیه در رالی جهانی - ۲۰۱۴

؛ (Www.the-afc.com)؛ (Www.IHF.info)؛ (Www.fiba.basketball)؛ (Www.fivb.com)؛

(Www.wikipedia.org)

۲-۴. جذب ستارگان ورزشی

قطر از ورزش به عنوان ابزاری برای جلب نگاه و توجهات جهانی استفاده می‌کند؛ به همین دلیل خرید ستاره‌های گران‌قیمت ورزشی برای تیم‌های ورزشی و همچنین تیم ملی قطر جدی گرفته شده است. در این باره می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- عقد قرارداد با «رائول»، ستاره سابق رئال مادرید و تیم ملی اسپانیا توسط

باشگاه السد؛

- عقد قرارداد با «ژاوی»، ستاره سابق بارسلونا و تیم ملی اسپانیا توسط باشگاه السد؛

- عقد قرارداد با «مهدی بن عطیه»، ستاره سابق رم، یوونتوس و بایرن مونیخ و تیم ملی مراکش توسط باشگاه الدحیل؛

- عقد قرارداد با «مانژوکیچ»، ستاره سابق بایرن مونیخ و یوونتوس و تیم ملی کرواسی توسط باشگاه الدحیل (Www.qfa.qa)؛

- حضور ستارگان مختلف در تیم ملی هندبال قطر و باشگاه‌های این کشور مانند «برتراند روین» (فرانسوی الاصل)، «رافائل کاپوته» (کوبایی الاصل)، «فرانکیس مارزو» (کوبایی الاصل) و «دانیل ساریک» (صربستانی الاصل).

- حضور ستارگان مختلف در تیم دوومیدانی قطر مانند «فمی او گانود» (نیجریه‌ای الاصل) و «عبدالله هارون» (سودانی الاصل) (Www.IHF.info).

۲-۵. میزبانی‌های ورزشی قطر

نکته مهم دیگر، ساخت ورزشگاه‌ها و کمپ‌های بی‌نظیر و بسیار پیشرفته قطر است؛ وجود این امکانات به همراه زیرساخت‌های مناسب از لحاظ اقتصادی و گردشگری و هتل‌های باکیفیت بالا باعث شده قطر بتواند میزبان مسابقات و رویدادهای مهم و بزرگ ورزشی در سال‌های اخیر و مسابقات پیش رو باشد. در جدول ۲ به این رویدادها اشاره شده است.

جدول ۲. مسابقات و رویدادهای مهم ورزشی به میزبانی قطر

جام جهانی باشگاه‌های فوتبال	۲۰۱۹
لیگ قهرمانان آسیا (به خاطر شرایط کرونا)	۲۰۲۰
تور جهانی والیبال ساحلی	۲۰۲۰
مسابقات انتخابی تک‌نفره جهان برای بازی‌های المپیک	۲۰۲۰
شنای جهانی	۲۰۲۰
دو ماراتن جهانی	۲۰۲۰
گلف آماتور	۲۰۲۰
تور جهانی بسکتبال ۳×۳	۲۰۲۰
لیگ الماس دوومیدانی	۲۰۲۰
جام جهانی فوتبال	۲۰۲۲

۲-۶. میزبانی قطر برای جام جهانی ۲۰۲۲

میزبانی از رقابت‌های ورزشی یکی از اقدامات مهم برای اثرگذاری بین‌المللی و افزایش قدرت نرم حاکمیت در سطح جهانی است. در این زمینه قطر در سال‌های اخیر تمام تلاش خود را به کار گرفته که به دست آوردن میزبانی جام جهانی ۲۰۲۲، مهم‌ترین نمود این استراتژی حاکمیت قطر است؛ زیرا در زمان برگزاری جام جهانی نگاه اغلب رسانه‌ها و مردم جهان به این رویداد و این کشور خواهد بود و موجب قدرت افزایی بیش از پیش این کشور در عرصه جهانی و به‌خصوص منطقه‌ای خواهد بود (Madaresharghi.ir, 1399). «دنیل ریچ» و «تیم سورک» در این باره معتقدند که جام جهانی، با بازی‌های المپیک تابستانی، یکی از دو رویداد بزرگ رسانه‌های جهانی است و میزبانی آن قطر را به کانون توجه گسترده رسانه‌های جهان تبدیل خواهد کرد؛ بنابراین روزنامه‌نگاران بین‌المللی نه تنها خواهان گزارش در مورد بازی‌ها، بلکه [به دنبال خبر] در مورد خود قطر هستند (Reiche & Sorek, 2019, p. 108). نکته مهم قابل ذکر، نحوه و چگونگی اعطای حق میزبانی جام جهانی به قطر است. در دوم دسامبر ۲۰۱۰، فیفا، از بین کشورهای آمریکا، کره جنوبی، ژاپن، استرالیا و قطر، میزبانی را به قطری‌ها واگذار کرد. این نخستین باری بود که کشوری از خاورمیانه به این مهم دست یافت. با توجه به وسعت قطر که یکی از کوچک‌ترین کشورهای جهان است، سابقه کم فوتبالی و نوع آب‌وهوای گرم و خشک آن، بعید به نظر می‌رسید که برگزاری چنین رویداد مهمی به قطر واگذار شود. پس از آن، سخنان متناقض زیادی درباره میزبانی قطر به میان آمد و حتی برخی منابع از پرداخت رشوه‌های سنگین توسط سران قطر خبر دادند؛ اما به‌هرحال با توجه به نفوذ آن‌ها میزبانی قطر برای جام جهانی قطعی شده است. با این اطلاعات، اهمیت برگزاری یک رویداد بزرگ ورزشی مشخص می‌شود و قطر نیز توانسته از آن به بهترین نحو استفاده کند.

درباره مشارکت جهانی قطر و نقش ورزش در آن در سال‌های اخیر نیز، می‌توان از المپیک ۲۰۱۲ انگلیس یاد کرد که «دی‌یار قطر» (Qatar Diar) همراه با شرکت خصوصی انگلستان، «دلنسی» (Delancey) سهام عمده‌ای را در دهکده

ورزشکاران المپیک ۲۰۱۲ به دست آورد (Brannagan & Giulianotti, 2014, p 5).

۳. جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲ و دیپلماسی ورزشی قطر

ورزش در روابط بین‌الملل بین دولت‌ها، بازیگران غیردولتی و مردم در سراسر جهان سهم عمده‌ای دارد. ورزش از شاخص‌های تمدن و راهی برای جلوگیری از درگیری و دستگاه دیپلماتیک قدرتمند و در عین حال مورد غفلتی است که بدون هیچ زحمتی مردم را به هم نزدیک می‌کند. ورزش نیز مانند موسیقی یا هنر، یک زبان جهانی است. مسابقات ورزشی می‌توانند موقعیت‌های پررنگی را برای گفت‌وگو به دور از میز مذاکره رسمی ایجاد کنند (Murray, 2018, p 2).

بنابراین در ازدحام سازمان‌های غیردولتی، شرکت‌های چندملیتی و سازمان‌های بین‌حکومتی هزاره سوم، ورزش را می‌توان یک نمایش فرا دیپلماتیک در نظر گرفت (شریعتی فیض‌آبادی، ۱۳۹۸، ص. ۱۴۳). ورزش بخش مهمی از تصاویر ملت‌ها و کشورها و روند اجتماعی شدن جوانان در جامعه جهانی است (Allison and Monnington, 2002, p 106). بعد از به وجود آمدن دولت‌های ملی، ورزش از مرزهای ملی فراتر رفت و به‌عنوان همراه دیپلماسی معرفی شد و از آن زمان، نقش مهمی در سیاست، ارتقای دیپلماسی و تقویت هویت‌های ملی و تسهیل تغییرات سیاست داخلی و خارجی دارد (Qingmin, 2013, p. 214). دیپلماسی نوعی ابزار سیاسی خاص است و در گذشته ارتباط چندانی بین دیپلماسی و سیاست با ورزش قائل نبودند. ورزش علاوه بر مزایای ملی، افتخار برای ملت، اقتصادی، تجاری و برند سازی، اثر مثبت دیگری نیز در خصوص کسب اعتبار بین‌المللی و منطقه‌ای دارد که مورد توجه دولت‌ها قرار گرفته است. پیوند ورزش و دیپلماسی از این لحاظ نیز قابل بررسی است؛ چراکه یکی از کارکردهای مهم و قابل توجه ابزار دیپلماسی برای کشورها، کسب اعتبار بین‌المللی است و از زیرشاخه‌های دیپلماسی، استفاده و ارتباط آن در بخش ورزشی، با عنوان دیپلماسی ورزشی است. کشورهای کوچک از طریق استفاده از دیپلماسی ورزشی، برای خود اهداف بلندمدت و بلندپروازانه‌ای را در روابط بین‌الملل جستجو خواهند کرد. قطر از سال‌های گذشته توانسته به نوعی با دیپلماسی ورزشی ارتباط خوبی برقرار کند و

با آن خود را در درجه اول به دنیا معرفی نماید و سپس به دنبال اهداف خود، از جمله کسب اعتبار منطقه‌ای و جهانی باشد. آرم «بنیاد قطر» در سال‌های قبل بر روی پیراهن‌های باشگاه‌های مختلف از جمله بارسلونای اسپانیا بوده و باشگاه یاری سن ژرمن، برترین باشگاه فرانسه متعلق به قطر است. این‌ها نمونه‌های مهم و برجسته از معرفی قطر به دنیا بوده، اما در مرحله اصلی استفاده از دیپلماسی ورزشی، قطر خواهان کسب اعتبار جهانی برای خود است که جام جهانی فوتبال فرصت مناسب را برای آن فراهم می‌سازد.

در زیر مهمترین مؤلفه‌های استفاده از دیپلماسی ورزشی توسط کشور قطر برای افزایش پرستیژ و اعتبار بین‌المللی خود آورده شده است:

۳-۱. تبدیل شدن به بازیگری مهم در منطقه در کنار کشورهای ایران و عربستان

سعودی

تصمیم‌گیرندگان دوحه می‌خواهند قطر از یک کشور کوچک در حاشیه جنوبی خلیج فارس به یک کشور بزرگ مطرح در مهم‌ترین و کانونی‌ترین جغرافیای جهان تبدیل شود. از همین رو واقعیت‌های کنونی منطقه سبب شده که قطر تحت تأثیر این شرایط با سیاست امنیتی ایالات متحده آمریکا در منطقه همراه گردد و این حس را به رهبران سیاسی خود القا کند که مرتبه منطقه‌ای آنان افزایش یافته است و این تداوم فزونی مرتبه نیازمند همراهی بیشتر با غرب در کنار روابط مسالمت‌آمیز و رقابت با کشورهای قدرتمند منطقه است (جالینوسی، طباطبایی، البرزی، ۱۳۹۴، ص ۷). در دهه گذشته قطر علی‌رغم محدودیت ژئوپلیتیک، همواره نقش بزرگی را به‌عنوان میانجی ایفا نموده و سیاست خارجی آن به ایدئولوژی‌های محصور در اسلام سنتی محدود نشده و توانسته است موقعیت خود را در میان همه متحدان منطقه‌ای و بین‌المللی خاورمیانه حفظ کند؛ منطقه‌ای که مملو از اختلافات جناحی است. داشتن روابط متعادل با اسرائیل ایران و سوریه و برقراری ارتباط با اسلام‌گرایان از قبیل حماس و حزب‌الله و نیز در اختیار قرار دادن بزرگ‌ترین پایگاه نظامی به آمریکا در منطقه، همگی نشان‌دهنده سیاست خارجی فعال این کشور است (ابوالفتحی، رستمی، نادری، ۱۳۹۷، ص. ۳۱۷). به بیان دیگر، منطقه خاورمیانه

ویژگی‌های خاصی دارد، از جمله حضور قدرت‌های فرا منطقه‌ای، تهدیدات امنیتی، موقعیت ویژه ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی، گروه‌های مذهبی و قومی مختلف، توزیع قدرت نظامی نامتوازن، وجود قدرت‌های منطقه‌ای از جمله ایران و عربستان و با وجود این شاخصه‌ها، کشورهای منطقه باید سیاست خارجی و دیپلماسی خود را منطبق با این‌ها برنامه‌ریزی کنند و به کنشگری بپردازند. قطر با دیپلماسی ورزشی توانسته خود را بازیگری قابل احترام و قابل توجه نشان دهد. هدف آن‌ها در این خصوص، تبدیل قطر به یک بازیگر مهم منطقه‌ای در کنار قدرت جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی است؛ همان‌طور که قطر می‌تواند در بسیاری از بحران‌های منطقه نقش میانجی را بازی کند و با حل این بحران‌ها به اهداف خود برسد.

۲-۳. فرصت مهم دیپلماسی عمومی و تکمیل قدرت نرم خود

تغییر شرایط و مطرح شدن مؤلفه‌های جدید و تأثیرگذار در عرصه بین‌المللی باعث شده تا کشورها برای پیشبرد هر چه بهتر منافع ملی خود ابزارها و سیاست‌های جدیدی را تعریف و به‌کارگیری کنند؛ بنابراین کشورها نمی‌توانند همچون گذشته تنها بر تبادلات بین دولتی خود در قالب دیپلماسی سنتی تکیه نمایند. این امر موجب شده تا در بسیاری از کشورها سازوکارهای جدیدی برای دستگاه دیپلماسی تعریف گردد که یکی از آن‌ها دیپلماسی عمومی خوانده می‌شود (هادیان، احدی، ۱۳۸۸، ص. ۸۷).

دیپلماسی عمومی اقداماتی برای تعامل و ارتباط با دیگر ملل و اندیشه‌ها دانسته شده که هدف از آن استقرار و استمرار روابط طولانی‌مدت فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست‌های نظام موردنظر با جوامع دیگر است. شرایط جدید نظام بین‌الملل باعث شده تا کشورها نیاز بیشتری به ارتباط با گروه‌های اجتماعی کشورهای هدف پیدا کنند. مقام‌های کشورهای گوناگون بسته به توان خود تلاش دارند تا علاوه بر قدرت نظامی و اقتصادی از ظرفیت‌های قدرت نرم برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی خود بهره ببرند (همان، ۹۱). «هانس تاچ» نویسنده کتاب «ارتباط با جهان»، دیپلماسی عمومی را تلاش‌های رسمی دولت برای شکل‌دهی محیط

ارتباطات در خارج می‌داند؛ به‌گونه‌ای که سیاست خارجی قابلیت اجرا بیابد و میزان ناآگاهی‌ها و شناخت‌های نادرست از روابط پیچیده بین کشورها کاهش یابد (اخوان کاظمی، عزیزی، ۱۳۸۹، ص. ۷). دولت‌ها از ابزار دیپلماسی عمومی برای بسیج منابعی که قدرت نرم تولید می‌کنند و برقراری ارتباط و جلب نظر مردم دیگر کشورها و نه صرفاً دولت‌هایشان استفاده می‌کنند (Nye, 2008, p 95) تا از خود تصویری مثبت به نمایش بگذارند. وقتی تصویر کلی کشوری به‌صورت مثبت نمایان شود، موقعیت بهتری برای استفاده از تحولات بین‌المللی به نفع خود خواهد داشت. از همین رو، قدرت نرم کشور را قادر می‌سازد تا برخی از پیامدهای منفی گام‌های اشتباه و شکست‌های سیاسی خود را بهبود بخشد (Kamrava, 2017, p 114). جوزف نای قدرت را دارای دو بعد سخت و نرم می‌داند. قدرت سخت مبتنی بر تهدیدات (چماق) یا پاداش (هویج) است، اما به‌زعم نای، قدرت بُعد دومی نیز دارد که بدون تهدید یا پاداش ملموس و از راه جذب و اقناع به دست می‌آید؛ این نوع قدرت، قدرت نرم نام دارد. نای در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۱۱ تعریف جامع‌تری از قدرت نرم ارائه داد و آن را «کسب آنچه می‌خواهید از طریق جذب و اقناع نه تهدید و پاداش» تعریف و هدف اصلی آن را «جذب دیگران» عنوان کرد (ذاکریان، عمادی، ۱۳۹۴، ص. ۷۵). تأکید قدرت نرم بر این است که قدرت می‌تواند از منابع غیرملموس نشئت گیرد و زمانی که قدرت نظامی به‌طور انحصاری در اختیار قدرت‌های بزرگ قرار دارد، قدرت نرم به‌عنوان ضرورت مهم کشورداری می‌تواند در اختیار دولت‌های کوچک نیز باشد (ذاکریان، عمادی، ۱۳۹۴، ص. ۷۷). قطر ایفاکننده نقشی مهم در سطح منطقه شناخته می‌شود که آن را به سیاست خارجی هوشمندانه و پیشرفت چشمگیر راهبرد سیاست فرامرزی‌اش مدیون است. هرچند دوحه دارای مشکلات فراوانی در داخل و خارج از سرزمینش بوده است، اما توانسته تهدیدات ناشی از ناآرامی‌های اطرافش را به فرصت تبدیل کند؛ به‌طوری‌که جایگاهی به‌مراتب پررنگ‌تر از دیگر کشورهای هم‌تراز خود و حتی قدرت‌های برتر از خود در دهه اخیر کسب کند و این امر به درک و نگاه تصمیم‌گیرندگان آن و دیپلماسی عمومی فعال و تلاش رهبران برای فرار از خطر

گمنامی این کشور کوچک بازمی‌گردد (جالینوسی، طباطبایی، البرزی، ۱۳۹۴، ص. ۷). فدراسیون‌های ملی ورزشی علاقه‌مند به برجسته نمودن سهم مفروض خود در مصالح عمومی هستند و استدلال آن‌ها اغلب توسط سیاست‌گذاران دولتی در بسیاری از کشورها، از کشورهای دموکراتیک مانند انگلستان و آلمان تا کشورهای خودکامه مانند قطر اتخاذ می‌شود (Haut & other, 2017, p 311). از آنجایی که قطر قدرت نظامی قابل توجهی ندارد، سعی در استفاده از بُعد دیگر قدرت، یعنی قدرت نرم دارد تا در صحنه جامعه جهانی حضور پررنگ داشته باشد. قطر با دیپلماسی ورزشی خود و برگزاری جام جهانی فوتبال، تصویر مثبتی از کشور خود نشان خواهد داد و سپس قدرت نرم خود را که از راه‌های گوناگون دنبال می‌کند، تکمیل خواهد کرد.

۳-۳- مشارکت در مورد صلح، یکپارچگی و امنیت

رهبران کشور قطر پس از آنکه پذیرفتند، کشورشان به‌عنوان یک کشور کوچک، قادر به قدرت‌نمایی در حوزه‌های سخت و نظامی نیست، دیپلماسی را سرلوحه سیاست خارجی خود قرار دادند تا بدین‌وسیله بتوانند نقشی فعال در منطقه و جهان ایفا کنند. قطر در سال‌های اخیر، به دنبال نشان دادن وجهه‌ای صلح‌طلب از خود بود که در صدد ایفای نقش فعال برای تنش‌زدایی و برقراری ثبات و امنیت در منطقه است. در دهه گذشته قطر حضور فعالی در خاورمیانه و شمال آفریقا داشته است. در تنش‌های سومالی، جنگ داخلی لیبی، بحران سوریه و مسئله فلسطین، تأثیرگذاری قطر به‌عنوان یک بازیگر مهم، غیرقابل انکار است (www.mdeast.news).

بنابراین، در چند سال اخیر قطر در عرصه منطقه‌ای، در پی ایفای نقش جدی و متمایز نسبت به سایر کشورهای خلیج فارس برآمده و توانسته است ضمن تضمین امنیت و ثبات خود، به ایفای نقش‌های فعال در منطقه بپردازد. گستردگی حوادث در پهنه جغرافیای منطقه نشان‌دهنده بلندپروازی قطر از مغرب تا الجزایر، لیبی، تونس، مصر، سودان، یمن و سوریه به‌عنوان بارزترین صحنه برای نقش‌های متعدد این کشور است. بر این اساس در بررسی آنچه در سال‌های اخیر در جهان

عرب می‌گذرد، نمی‌توان به‌سادگی از نقش شبه‌جزیره کوچک قطر در حاشیه جنوبی خلیج فارس گذشت. قطر به‌گونه‌ای نقش‌آفرینی می‌کند که اگر اغراق‌آمیز نباشد، بنا به نظری باید گفت که واقعاً همه راه‌ها در سال‌های اخیر به دوحه ختم می‌شوند (شادمانی، ۱۳۹۹، صص. ۸۷-۸۶). قطر همیشه به دنبال حفظ سیاست خارجی انعطاف‌پذیر و مستقلی است که عمده‌تأ مبتنی بر ارتقای صلح بین‌المللی است. این جنبه اصلی استراتژی قطر در قانون اساسی آن در ماده ۷ آورده شده است: «سیاست خارجی دولت بر اساس اصل تقویت صلح و امنیت بین‌المللی با تشویق حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی استوار است؛ از حق تعیین سرنوشت مردم حمایت خواهد کرد، در امور داخلی سایر کشورها دخالت نخواهد نمود و با ملت‌های صلح‌دوست همکاری خواهد کرد» (Barakat, 2012, p. 10).

یکی از دلایل مشارکت قطر در مراکز ورزشی جهانی در مورد صلح، یکپارچگی و امنیت است. زمینه طرح این موضوع را باید در سیاست خارجی قطر جستجو کرد. از نظر «قدرت سخت»، اگرچه قطر از نیروی اقتصادی خود سود زیادی می‌برد، اما نفوذ نظامی این کشور بسیار محدود است و چشم‌انداز زیادی برای دفع یک نیروی مهاجم قابل توجه نخواهد داشت. سیاست امنیتی قطر بر اساس ضرورت، متمرکز بر اعمال قدرت نرم از طریق همکاری صلح‌آمیز بین‌المللی و همراهی با ارزش‌های صلح، امنیت و یکپارچگی است (Brannagan and Giulianotti, 2014, p. 8). با رسیدن به این هدف و تضمین غرب به‌ویژه ایالات متحده، این کشور می‌تواند توجه خود را به موضوعات دیگر متمرکز کند و به اهداف خود برسد (Abu Sulaib, 2017, p. 36).

۳-۴. جذب افکار عمومی

به اعتقاد «فلوید آلبرت» افکار عمومی به موضع‌گیری عده‌ای از افراد اطلاق می‌شود که در آن افراد مزبور، خود شخصاً یا بر طبق درخواست از آن‌ها، موافقت یا تأیید خود یا عکس آن را نسبت به وضعیتی مشخص یا اشخاص خاص یا پیشنهاد معین دارای اهمیت زیاد بیان می‌دارند (nokarto.com). موضوع افکار عمومی مطالعه بررسی و شناخت بستر شکل‌گیری و کیفیت خواست‌های عمومی به‌عنوان یکی از

متغیرهای اساسی در ارزیابی و تحلیل مناسبات سیاسی و زندگی اجتماعی است (خرمی، ۱۳۸۲، ص. ۹). افکار عمومی به‌طور جزئی یا کلی از طریق وسایل ارتباط جمعی ارائه می‌شود و به‌وسیله آن شکل می‌گیرد، از آن متأثر می‌شود یا صرفاً به‌وسیله آن خلق می‌شود (گینگراس، ۱۳۸۱، ص. ۴۵). نای بر اهمیت «اعتبار» در قدرت نرم تأکید و عنوان می‌کند که قدرت نرم به «اعتبار» بستگی دارد و اعتبار می‌تواند هم منبع و هم پیامد قدرت نرم باشد؛ بنابراین، اعتبار را می‌توان سرمایه قدرت نرم دانست، زیرا نوعی منبع تشویقی است که می‌توان آن را در روابط جمعی، سرمایه‌گذاری کرد تا پروسه جلب توافق دیگران را آسان‌تر کند (ذاکریان، عمادی، ۱۳۹۴، ص. ۷۸).

در دیپلماسی عمومی که بخش دولتی و بخش خصوصی همراه با یکدیگر عمل می‌کنند، تلاش عمده سیاست‌گذار ارتباط با مخاطب عام و افکار عمومی است تا بتواند پیام موردنظر خود را منتقل کرده، بر تصمیم‌سازان تأثیرگذاری مطلوب را بنماید (هادیان، احدی، ۱۳۸۸، صص. ۸۸-۸۷). «چارلز کیگلی» معتقد است دیپلماسی عمومی به‌نوعی شکل جدیدی از تبلیغات است که به معنای گسترش نظام‌مند اطلاعات به‌منظور تأثیرگذاری بر افکار عمومی است (همان، ۹۱). از دوران جنگ سرد تاکنون، نه‌تنها ابرقدرت‌ها، بلکه کشورهای کوچک و نوظهور نیز سعی کرده‌اند تا با شرکت در مسابقات بین‌المللی و حتی با برتری و پیروزی، خود را بر روی نقشه بین‌المللی قرار دهند و اعتبار جهانی کسب نمایند. هدف اعتبار جهانی مخاطب خاصی نیست، بلکه می‌خواهد چهره‌ی یک ملت را در صحنه جهانی شکل دهد. نمونه‌های اخیر آن بازی‌های المپیک ۲۰۱۲ لندن، میزبانی برزیل از جام جهانی ۲۰۱۴ فوتبال و بازی‌های المپیک تابستانی ۲۰۱۶ و جام جهانی ۲۰۲۲ فوتبال در قطر است (Haut & other, 2017, pp. 313-314). قطر در سال‌های اخیر در زمینه‌های مختلف سعی نموده افکار عمومی را به سمت خود جلب کند که از جمله این‌ها می‌توان به فرهنگ و آموزش، سفر و جهانگردی، دنیای ورزش و رسانه‌های ارتباطی اشاره کرد. همان‌طور که ذکر شد، قطر را یکی از کشورهای کوچک تعریف می‌کنند و کشورهای کوچک نیز دارای محدوده‌ای خاص هستند

که ممکن است در نگاه جهانی و افکار عمومی جهان چندان قابل توجه و مهم نبوده، اعتبار و دیدگاهی خاص نیز نداشته باشند؛ بنابراین قطر لازم می‌داند برای جلوگیری و کاهش چنین مشکلی، افکار عمومی را جلب نموده، تصویر و نمایه خود را به‌عنوان یک کشور قابل‌اعتماد در روابط بین‌ملتها ترسیم کند. در زمینه ورزشی قطر در تلاش است تا رویدادهای مهم ورزشی را برگزار نماید و برای همین، با برگزاری جام جهانی ۲۰۲۲ خواهان جذب افکار عمومی است.

نتیجه‌گیری

در این مقاله نقش دیپلماسی ورزشی در افزایش پرستیژ و اعتبار بین‌المللی کشورها بررسی شده است. قطر یکی از کشورهایی است که می‌توان این موضوع را در راستای اهداف سیاست خارجی آن ارزیابی کرد و با توجه به این موضوع، به‌عنوان مطالعه موردی برای این مقاله انتخاب شد. این کشور با برگزاری جام جهانی فوتبال در سال ۲۰۲۲ در چارچوب دیپلماسی ورزشی خود بر آن است تا پرستیژ و اعتبار بین‌المللی خود را افزایش دهد. در چارچوب مفهومی، دیپلماسی ورزشی به لحاظ تعریف، موارد کاربست آن، توجه دولت‌ها به آن و ویژگی‌های آن بعد از جنگ سرد توضیح داده شد. ورزش مدرن از جهاتی به سیاست و روابط بین‌الملل پیوند خورده است و دولت‌ها و سیاست‌گذاران برای دستیابی به اهداف خود از ورزش استفاده می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که امروزه جدایی ورزش و سیاست به سادگی امکان‌پذیر نیست. قطر در بخش سیاست خارجی، در چارچوب دیپلماسی کشورهای کوچک تعریف می‌شود؛ کشورهایی که همواره سعی می‌کنند در وهله اول موجودیت خود را حفظ کنند و سپس به فعالیت در نظام بین‌الملل پردازند. بر این اساس سیاست خارجی قطر به‌گونه‌ای تعیین شده است که بتواند در سیاست جهانی به بازیگری مهم تبدیل شود؛ با این هدف که نشان دهد متعهد و مشارکت‌پذیر در جامعه جهانی و کشوری مطمئن برای دیدارها و برگزاری کنفرانس‌ها است. استراتژی بخش ملی ورزش قطر سیاست‌ها و اهداف آن را مشخص می‌کند. ورزش قطر در سال‌های اخیر نشان داده که توان رقابت با سایرین را حتی در سطح جهانی دارد. مسئله مهم در این زمینه، میزبانی‌های گسترده قطر

در سال ۲۰۲۰ در رشته‌های گوناگون است که نشان از شناساندن قطر در ورزش و جامعه جهانی دارد. نقطه عطف این میزبانی‌ها، میزبانی جام جهانی فوتبال در سال ۲۰۲۲ است که قطر با وجود حرف‌وحديث‌های فراوان توانست آن را بر عهده گیرد. دیپلماسی ورزشی با افزایش اعتبار بین‌المللی ارتباط دارد. ورزش در تصویرسازی برای شناسایی ملت‌ها و کشورها دارای نقش مهمی است. قطر با استفاده از دیپلماسی ورزشی، چهار مؤلفه را برای بهبود بخشیدن به پرستیژ خود دنبال می‌کند: نخست اینکه با توجه به ویژگی‌های منطقه خاورمیانه، سعی دارد در روابط خود میان دو قدرت منطقه‌ای ایران و عربستان اعتدال برقرار کند و پس از آن به دنبال تبدیل به قدرتی قابل توجه در منطقه، با روش غیرنظامی است که دیپلماسی ورزشی این هدف را تحقق می‌بخشد. دوم اینکه با استفاده از دیپلماسی عمومی خواهان ارتباط با سایر کشورهای جهان است. دیپلماسی ورزشی با برگزاری جام جهانی این فرصت را در اختیار قطری‌ها قرار داده است. سوم، مشارکت در مورد صلح، یکپارچگی و امنیت بین‌المللی است. از لحاظ قدرت نظامی، قطر وابسته به ایالات متحده آمریکا است؛ بنابراین آنچه قطر می‌تواند در خصوص امنیت و صلح جهانی انجام دهد، از طریق همکاری‌های صلح‌آمیز مانند شرکت در کنفرانس‌های حفظ صلح یا حتی میزبانی از این کنفرانس‌ها است، اما قبل از آن باید از طریق همکاری‌های صلح‌آمیز، ظرفیت خود را نشان دهد. مورد پایانی نیز جذب افکار عمومی است. به این طریق که قطر در موضوعات مختلف سعی کرده تا نگاه‌های به خود در قالب دولت کوچک را که فقط در پی حفظ بقای خویش است تغییر دهد؛ بنابراین با دیپلماسی ورزشی این هدف برای آن قابل تحصیل است.

منابع

- ابوالفتحی، محمد. رستمی، بنفشه. نادری مسعود (۱۳۹۷). مطالعه تطبیقی سیاست خارجی عربستان سعودی و قطر در قبال بحران سوریه؛ ۲۰۱۷-۲۰۱۱. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست. ۶ (۲۴).
- اخوان کاظمی، مسعود. عزیزی، پروانه (۱۳۸۹). دیپلماسی عمومی و الگوی اسلامی آن. رسانه. ۲۰ (۴).
- جالینوسی، احمد. طباطبایی، یگانه سادات. البرزی، هنگامه (۱۳۹۴). نقش آفرینی قطر در منطقه خلیج فارس با توجه به مناقشات اخیر خاورمیانه. مطالعات بیداری اسلامی. ۴ (۱).
- خرمی، قاسم (۱۳۸۲). افکار عمومی در عرصه سیاست. ماهنامه روابط عمومی. (۲۷).
- دوستی، مرتضی و دیگران (۱۳۹۱). سیاست و ورزش. ساری: موج قلم.
- ذاکریان، مهدی. عمادی، سید رضی (۱۳۹۴). واکاوی عملکرد شبکه الجزیره در تقویت قدرت نرم قطر. فصلنامه مطالعات راهبردی. ۱۸ (۱).
- رنجکش، محمدجواد. اصغری ثانی، حسین. محقر، احمد (۱۳۹۲). برندسازی در دیپلماسی نیچه‌ای قطر. فصلنامه مطالعات سیاسی. ۵ (۱۹). صص ۱۴۵-۱۷۸.
- شادمانی، مهدیه (۱۳۹۹). بررسی راهبرد کشورهای اسلامی در مسئله تروریسم (مطالعه موردی عربستان و قطر). پژوهشنامه حقوق بشری. ۶ (۲).
- شریعتی فیض‌آبادی، مهدی (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی دیپلماسی ورزش در توسعه روابط خارجی و کشورهای منتخب. دو فصلنامه علمی دانش سیاسی. ۱۵ (۱). صص ۱۲۵-۱۴۸.
- شریعتی فیض‌آبادی، مهدی. گودرزی، محمود (۱۳۹۴). جایگاه دیپلماسی ورزش در روابط بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران؛ رویکرد کیفی مبتنی بر تحلیل محتوا. دو فصلنامه علمی-پژوهشی دانش سیاسی. ۱۱ (۲). صص ۹۵-۱۲۷.
- صباغیان، علی (۱۳۹۴). دیپلماسی ورزشی. مطالعات فرهنگ-ارتباطات. ۱۶ (۳۱). صص ۱۳۵-۱۵۵.
- طالبی آرانی، روح‌الله (۱۳۹۲). تغییر یا تداوم در سیاست خارجی قطر. گزارش کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. شماره مسلسل ۱۳۳۳۱.

- گینگراس، آن ماری. پیر کریر، جیسن (۱۳۸۱). افکار عمومی: شکل‌گیری و اقبال. ترجمه علی مهرطلب. رسانه. ۱۱۳(۳).
- هادیان، ناصر. احدی، افسانه (۱۳۸۸). جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی. فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی. ۱ (۳)
- مدار شرقی (۱۳۹۹). جایگاه ورزش، خیریه و فرهنگ در قدرت نرم. قابل دسترسی در: <http://madaresharghi.ir/25418>. 17/03/1399
- میدل ایست نیوز (۲۰۲۱). قطر؛ واسطه‌گر جدید خاورمیانه. قابل دسترسی در: <http://mdeast.news/2021/03/01>

- Reiche, Danyel; Sorek, Tamir (2019). Sport, politics, and Society in the Middle East. OXFORD university press.
- Murray, Stuart (2018). Sports Diplomacy: Origins, Theory and Practice. By Routledge.
- Haut, Jan; Jonathan, Grix; Brannagan, Paul Michael; Hilvoorde, Ivo van. (2017). International prestige through sporting success: an evaluation of the evidence. European Journal For Sport And Society. Vol 14. NO 4.
- Murray, Stuart (2017). Sports Diplomacy in the Australian Context: Theory into Strategy. Politics & policy. Vol 45. Pp 841-861.
- Mohammadzadeh, Babak (2017). Status and Foreign Policy Change in Small States: Qatar's Emergence in Perspective. The International Spectator. Vol 52. NO 2. Pp 19-36.
- Abu Sulai, Faisal Mukhyat (2017). Understanding Qatar's Foreign Policy, 1995-2017. Middle East Policy. Vol XXIV. NO 4.
- KamravaMehran (2017). Qatari Foreign Policy and the Exercise of Subtle Power. International Studies Journal. Vol 14(2). Pp 91-123.
- Trunkos, Judit; Heere, Bob (2017). Sport diplomacy: A review of how sports can be used to improve international relationship. Fit Publishing. West Virginia University.
- Philpott, Simon (2016). Planet of Australians: Indigenous athletes and Australian Football's sports diplomacy. Third World quarterly.
- Reiche, Danyel (2015). Investing in sporting success as a domestic and foreign policy tool: the case of Qatar. International Journal of Sport Policy and Politics. Vol 7. NO 4. Pp 489-504.
- Brannagan, Paul Michael; Giulianotti, Richard (2014). Soft power and soft disempowerment: Qatar, global sport and football's 2022 World Cup

finals. *Leisure Studies*.

Murray, Stuart; Pigman, Geoffrey Allen (2014). Mapping the relationship between international sport and diplomacy. *Sport in Society*. Vol 17. NO 9. Pp 1098-1118.

Boyce, Graham (2013). Qatar's foreign policy. *Asian Affairs*. Vol XLIV. Pp 365-377.

Qingmin, Zhang (2013). Sports Diplomacy: The Chinese Experience and Perspective. *The Hague Journal of Diplomacy*. Pp 211-233.

Ecastro, Andrela Soates (2013). South Africa's Engagement in Sports Diplomacy: The Successful of the 2010 FIFA World Cup. *The Hague Journal of Diplomacy* 8. Pp 197-210.

Murray, Stuart (2013). Sports Diplomacy. *The Hague Journal of Diplomacy* 8. Pp 191-195.

Pulliam, Sara (2013). Qatar's Foreign Policy: Building on International Image. *Cario: aucegypt*.

Barakat, Sultan (2012). The Qatari Spring: Qatar's emerging role in peacemaking. *The London School of Economics and Political Science. University of York*.

Ndlovu, Sifiso Mxolisi (2010). Sports as cultural diplomacy: the 2010 FIFA World Cup in South Africa's foreign policy. *Soccer & society*. Vol 11. Pp 144-153.

Nye, Joseph S. (2008). Public Diplomacy and Soft Power. *The Annals of The American Academy*.

Allison, Lincoln; Monnington, Terry (2002). Sport, Pretige and International Relations. *Politics and Culture*. Pp 106-134.

The Peninsula. QATAR'S DAILY NEWSPAPER.